

یک جنایت بازسازی شد

مخترع، نقشه قتل را خوانده بود

گروه حوادث: شیمیدان و مخترع ایرانی یک افغانی را که به وی هجوم آورد بود به قتل رسانده و با پای خود تیر در پلیس رقت و تسلیم شد.

این مرد هنگامی که با همجویم چند افغانی مواجه شده بود یکی از توطئه قتل افغانی را در کارگاهش به زنجیر کشید و با پای برهنه به نقشه شوم قتل مادرش توسط آنان این توطئه گره را به قتل رساند. بنابر این گزارش، ساعت ۱۸ و ۵۰ دقیقه روز یکشنبه ۱۹ تیرماه سال جاری مردی ۵۴ ساله در حالی که هر اسامی بود وارد پلیس آگاهی شهریار شد و وقتی ورو میز افسر دایره قابل ایستاد گفت: «ساعتی قبل در کارگاه مرد جوانی را به قتل رسانده ام.»

با اعدای این مرد بلافاصله کلبه‌ای از مأموران آگاهی شهریار به همراه قاضی باایلی از شیعه سوس دادگاه با بخش ملارد در محل وقوع جنایت که کارگاه تولید آهنهای نسوز واقع در یکی از روستاهای اطراف ملارد بود حاضر شدند.

مأموران در انتهای سالن بزرگ کارگاه که ویژه تولید ورق های آهنی نسوز بود با چند یک جوان افغان در حالی که دستها و پاهایش با طناب بسته شده بود و آثار زنجیر نیز در جرح دستها و پاهایش مشخص بود ورو شدند.

در بررسی های صحنه جنایت مشخص شد عامل جنایت پس از آن که دست و پاهای افغان آن را با طناب بسته او را از زنجیر پالمر مخصوص حمل وسایل سنگین در داخل کارگاه به مدت چندین ساعت اویزان نگه داشت و بر پای آن که توانا خرگوشی بکند وزنه سنگینی نیز به پاهایش بند بود.

کارگاهان در تنجس های خودی بی بردند که قربانی جوان ۲۷ ساله ای به اثر ترا وارد آمدن ضربات شنی سنگین به سر و گردن به قتل رسیده است.

رضا که گفتگارش نشان می داد فرد تحصیل کرده ای است با دستور قاضی باایلی بازداشت شد و برای فاش شدن راز این جنایت تحت بازجویی قرار گرفت.

وی به قاضی و پلیس گفت: « از سالها قبل این کارگاه را برای انجام تحقیقات و اختراعاتم اداره می کردم و در طول این مدت کارگران زیادی که اکثر آنان نیز افغانی بودند برای کار در کارگاه به اینجا می اوردم و با کمک آنان اختراعاتم را آزمایش می کردم و به مرحله تولید می رساندم. وی ادامه داد: من شیمیدان، کارشناس پلاستیکی و کارشناس زمین شناسی هستم. در طول این مدت ۱۷ اختراع را به ثبت رسانده ام، از جمله تولید ورقهای آهن نسوز، لوله های مخصوص از بین بردن صدای اگزوز و رنگهای مخصوص بدنه هواپیما که قدرت برای درگیری آن را از بین می برد.

این شیمیدان افزود: « از آنجایی که مواد شیمیایی بسیار خطرناکی در کارگاه بود و وسایل زیادی که با زحمات زیادی آنها تهیه کرده بودم در آنجا بود شبها نیز به همان جا استراحت می کردم و هفته ای یکبار برای سر کشی به کارخانه ام به تهران می رفتم و دو اوقات نیز در کنار کارگاه در اختیار کارگران گذاشته بودم تا آنها نیز در آنجا زندگی کنند.»

سال گذشته وقتی یک روز کارگران به کارگاه با گشتم متوجه شده تعدادی از وسایل کارگاه به ارزش ۲۵ میلیون تومان به سرقت رفته است. وقتی موضوع را پیگیری کردم بی بردم که چند کارگر



متمم لطفه ای را در مرد مهاجر با او درگیر شدن نشان می دهد



منهم نحوه افغانان سبب را به قاضی نشان می دهد



که او ابراهیم، نیز در بین آنان بود در نبودن من دست به این سرقت زده و فرار کرده اند.



می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

می دامه داد: « با مراجعه به اداره آگاهی و دادگستری ملارد علیه آنان شکایت کردم و خواستار دستگیری آنان شدم. در حالی که برهنه شکایاتم در دادگاه مطرح بود سارقان از طریق دوستانتان متوجه شدند که من علیه آنان شکایت کرده ام و

سگهایم در حالیکه به شدت پارس می کردند به طرف در کارگاه حمله کردند بسیار ترسیده بودم و با برداشتن تیر و چراغ قوه آرام به سمت در کارگاه رفتم و سگها را به گوشه ای بردم. وقتی سؤال کردم که چه کسی پشت در است مرد جوانی در حالی که سعی می کرد سادیس را تعمیر دهد، از من خواست در را باز کنم. با شنیدن صدا متوجه شدم او ابراهیم است و برای اجرای نقشه اتن آمده است. آرام در کارگاه را باز کردم که نگاهان او در حالی که چاقویی در دست داشت به طرفم حمله کرد اما در همین حین پایش به چارچوب در گیر کرد و روی زمین افتاد. من بلافاصله با دسته تیز ضربه محکمی به سرش زدم و او نقش بر زمین شد. وقتی او زمین افتاد متوجه شدم چند مرد دیگر نیز همراه او آمده اند و بیرون کارگاه کمین کرده اند که بلافاصله در حالی که فریاد می زد داخل به طرف آنها حمله کردم و آنان را فراری دادم. بلافاصله به داخل حیاط کارگاه رفتم. ابراهیم، هنوز گیج بود و خون زیادی از سرش جاری بود. از داخل صندوق عقب خودروم زنجیر چرخ را برداشتم و دست و پاهای او را با زنجیر قفل کردم. وقتی به هوش آمدم سر او را با ناسمان کرده و به غذا دادم. وقتی او پرسیدم که چرا می خواهید من را به قتل برسانید گفت به خاطر شکایاتی که کرده بودی می خواستیم تو را به قتل برسانیم و امشب نیز برای شناسایی آمده بودیم و می خواستیم مطمئن شویم که توتنها هستی تا بتوانیم کار را یکسره کنیم.

این مخترع ایرانی در ادامه گفت: صبح روز بعد او را به داخل کارگاه بردم و دستانتان را به وسیله قفل به زنجیر بالا بستم تا حرکت نکند و می خواستم او را تحویل مأموران آگاهی بدهم ولی او در یک لحظه ضربه ای به من زد به طوری که به وسایل داخل کارگاه خوردم و خونش را به من ناسامی می کرد ولی من توبه ای نمی کردم و برای آن که حرکتی ننهد وزنه ای به پاهایش بستم. بعد از آن مشغول تهیه نهار بودم ابراهیم، در حالی که ناسامی می گفت، اضافه کرد که چند شب قبل با دوستانتان تصمیم گرفته بودند ما را در قتل برسانند ولی از آنجایی که مادرم در خانه نبود موفق شدند. بنابیندن این حرف خیلی عصبانی شدم زیرا مادرم به آنان خیلی محبت می کرد ولی آنان می خواستند مادرم را به قتل برسانند. به طرفش حمله کردم و با میله آهنی چندین ضربه به او زدم و او کارگاه خارج شدم. دقیقی بعد وقتی وارد کارگاه شدم دیدم ابراهیم نفس نمی کشد و خون زیادی نیز از او نشسته است. بلافاصله زنجیر را باز کردم و او را روی زمین قرار دادم ولی او دیگر نفس نمی کشی خیلی ترسیده بود نمی دانستم چه کار کنم. ابتدا تصمیم داشتم جسدش را داخل سیانور آسیدی بیندازم ولی قادر به هیچ کاره شدم. نمودم، بلافاصله سوار خودروم آمدم و خودم را تسلیم پلیس کردم. با اعتراضات عمال جنایت به دستور قاضی باایلی رئیس شعبه ۹ جنایت بازسازی شد و این شیمیدان جنایت جنایت را به نمایش گذاشت.

به گزارش خبرنگار ما، پس از بازسازی جنایت و با توجه به اعدای این مرد مرتبی بر این که برای داغ از خود مرتکب شده است شده است قاضی باایلی با صدور قرار بازداشت موقت وی را در اختیار پلیس آگاهی شهریار قرار داد.

دستگیری دختران سارق خودرو

گروه حوادث - کرج - خبرنگار ایران: دو دختر جوان که با اغفال راننده ای اقدام به سرقت خودروی او کرده بودند دستگیر شدند.

قاضی دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان کرج یکی از دختران سارق را به حبس، شلاق و جزای نقدی محکوم کرد.

روز سوم اردماه سال ۱۳۸۴ پس از ۲۴ ساعت با مراجعه به کلانتری ۱۶ حصارک کرج گفت: در آژانس تاکسی سرویس کار می کنم. عصر امروز در مسیر برخی از سرویس در گلشهر کرج دو دختر جوان با دست اشاره کردند. اینها سوار ماشین شدند و بعد از طی مسافتی یکی از آنها اظهار راحتی کرد و از من خواست تا او سوبراکتی برایش یک بست سیگار بخرم. هنگام پیاده شدن از ماشین قصد داشتم سوار پیاده ام و دخترها گفتند سمرمان است و پیمان ماشین را روشن نگذار. وارد ماشینه شدیم ولی نگاهان یکی از آنها پشت فرمان نشست و به سرعت از محل دور شدند و در حالی که پاکت سیگار در دستم مانده بود آنها خودروی مرا به سرقت بردند.

سرقت خودروی پراید مشکفی در اداره آگاهی ثبت و به تمامی واحدها اعلام شد. ساعت ۲۴ اردماه روز ۵ اردماه مأموران در حال گشتزنی خیابان اتوبان چمران دو دختر جوان را با وضعتی نامناسب مشاهده کردند که به علت خرابی خودروی پرایدشان در کنار بزرگراه توقف کرده بودند. با استعلام شماره پلاک خودرو مأموران پی به سرقتی بودن آن بردند. پس از بازرسی از ماشین کارت و

گواهینامه رانندگی و یک چک صارت سفیدامضا به نام واقعی صاحب خودرو کشف شد. در حالی که دختران ادعا می کردند خودرو متعلق به برادرشان است تحویل کلانتری ۱۳۷ گیشا شدند.

در بازجویی های اولیه دختر ۱۹ ساله ای که رانندگی پراید را به عهده داشت ادعا کرد خودروی مزبور را از دختری فراری که به بازگاری بهم دوست شده اند گرفته است. اما در تحقیقات این دو پلیسی مشخص شد دختر ۱۹ ساله قلم ۴ بار به اتهام سرقت خودرو دستگیر و به بازگاری آزاد شده است. پرونده به دسدرای امور جنایی کرج ارجاع شد.

وقتی دو دختر سارق ۱۷ و ۱۹ ساله در برابر بازپرس محسن علی اشرف قرار گرفتند هر دو اتهام سرقت خودرو را پذیرفتند و دختر بزرگتر ادعا کرد از چهار ماه پیش او را از خانه بیرون انداخته است مدتی در خیابانها خوابیده است اما پس از آن شهرا را در ماشینهای دزدی به سر می برده است و پس از آشنایی با دختر ۱۷ ساله ای با همراهی وی اقدام به سرقت خودروی پراید راننده آژانس کرده اند.

پس از صدور فریم مجرب و حبس و کفالت در دسدرای کرج دختر ۱۷ ساله از سوی قلمنا کاپیاشا رئیس شعبه ۱۲۲ رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان کرج به اتهام سرقت به تحمل شلاق محسین و دو ضربه شلاق و به اتهام ولگردی به پرداخت ۵ هزار تومان جزای نقدی محکوم شد.

رد ادخاوسات یک مادر برای نفقه فرزند

گروه حوادث: کرج - خبرنگار ایران: قاضی دادگاه خانواده کرج دادخواست نفقه یک زن را برای دو دخترش رد کرد.

این زن پس از ازدواج مجدد ادعا کرد همسر سابقش نفقه کافی به دو فرزندش پرداخت نمی کند.

بنا به این گزارش زن ۴۹ ساله ای با ارائه دادخواست مطالبه نفقه فرزندانش در شعبه ۱۷ دادگاه خانواده کرج به قاضی طالبی گفت:

۹ سال پیش به دلیل بروز اختلافات عدم سازگاری با همسرم در حالی که مهریه و نفقه ام را پشتیبیم از او جدا شدم قرار شد دو دخترم که در آن زمان ۱۳ و ۱۲ ساله بودند در همسرم بمانند و من همفته ای یکبار بدمت ۲۴ ساعت آنها را ملاقات کنم.

پس از جدایی از همسرم و دوری از دخترانم تصمیم به ازدواج مجدد گرفتم و در این مدت در حالی که آنها نزد همسرم بودند از آنها بی خبر نبودم و آنها را می دیدم.

تا اینکه دخترانم رشد کرده دختر بزرگم ۲۲ ساله و دختر کوچکتر ۱۸ ساله شدند. از سال

گفته فرزندانم مرتباً نزد من از امکانات و خرجی کمی که پدرشان به آنها می دهد گل می کنند و به خاطر بی مسؤولیتی او به من پناه می آورند. آنها نیاز به امکانات بیشتری دارند و از من عنوان مادری می خواهند از حق آنها دفاع کنم.

قاضی اکیبر طالبی رئیس شعبه ۱۷ مجتمع قضایی خانواده کرج پس از شنیدن اظهارات این زن با احتیاط پدر به دادگاه از او خواست تا در این رابطه توضیح دهد. مرد ۵۸ ساله وقتی در برابر قاضی قرار گرفت، گفت:

دخترانم نزد من زندگی می کنند و من به صورت هفتگی به آنها پول می دهم و اگر نفقه و خرجی آنها کافی نیست خودشان می توانند دادخواست بدهند چون هر دو بالغ هستند از طرفی همسرم در این پرونده مستی ندارد.

قاضی طالبی با استناد به ماده ۹۸ ناظر بر بنده ۱ ماده ۸۴ آیین دادرسی مدنی قرار رد دادخواست این زن را صادر و اعلام کرد در صورت عدم پرداخت نفقه از سوی پدر به دو دخترش قانوناً بایستی خود دختران نسبت به خواسته خود اقدام نمایند.

زورگیران خودرو در دام پلیس

گروه حوادث: جویبار - خبرنگار ایران: دو سارق زورگیر که با مجروح کردن راننده ای، خودروی وی را سرقت کرده بودند، دستگیر شدند.

بنابه این گزارش، چهار دزدانه سال جاری مأموران انتظامی شاهرود در دریافت گزارشی مبنی بر کشف پیکر نیم جان خودروی در جاده شاهرود و انتقال آن به بیمارستان در محل حاضر و تحقیقات خود را آغاز کردند.

راننده خودرو که مرد جوانی به نام محمد بود، در جریان تحقیقات به مأموران گفت: شب حادثه در حالی که به میدان امام خمینی در شهر ساری منتظر مسافر بودم، دو پسر جوان که خود را دانشجو معرفی کردند، با پیشنهاد ۴۵ هزار تومان از من خواستند تا آنها را به شاهرود ببرم. از آنجایی که مقداری لوازم کامپیوتر همراه آنها بود، پذیرفتم و از آنها خواستم که پولم را ابتدا بدهند

مگر مردم به بیمارستان منتقل شد.

با اعلام شکایت این مرد، مأموران آگاهی شاهرود نتجهایی گسترده ای را در این زمینه آغاز و پس از گذشت ساعت، یکی از سارقان را شناسایی و بازداشت کردند. با دستگیری مهمتر و اعترافات وی، همدمت و نیز شناسایی و پس از چند روز دستگیری شد.

دیدگاه

کارشناس و کارشناسی دادگستری

درسال ۱۳۱۷ به علت نیاز دادگستری تازه تأسیس به کارشناسی با کارشناسان مسوول ای با عنوان قانون راجع به کارشناس رسمی تصویب که در ماده دوم آن قانون بدین در نظر گرفت مدرک تحصیلی شرایط موجود را در داشتن تخصصی کامل در آن علم مدنظر قرار دادند که با امان نظر در سه گروه از کارشناسان که بیشتر دادگاهها با این نوع کارشناسان سر و کار داشته عبارتند از:

- ۱- کارشناس تصادفات
- ۲- کارشناس تشخیص هویت
- ۳- کارشناس ساختمانی

در قسمت اول با مدافه در پرونده های تشکیل شده در کانون کارشناسان حدود نود و نه درصد این کارشناسان از افسران بازتستته راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی بودند که این افراد پس از بازتستتگی بلافاصله درصدد جذب به کانون هستند. جالب توجه آنست چون در قانون مزبور مدرک تحصیلی جهت جذب به رشته کارشناسی تصادفات ملاک نیست، به صرف خدمت در راهنمایی و رانندگی و داشتن لیسانس از دانشگاه پلیس توانایی شرکت در چنین رشته ای را دارند و این گونه افراد بیشتر سلسله مراتب درجات نظامی خود را در مقام کارشناس نیز حفظ می کنند.

در قسمت دوم با اعلان نظر در کتاب اسامی کارشناسان بخصوص کارشناسی تشخیص اصالت خده، امضا و اثر انگشت این کارشناسان از افسران بازتستته نیروی انتظامی هستند که بیشتر آنها در دایره تشخیص هویت نیروی مزبور خدمت نموده و به علت نیاز دادگستری در آن برهه زمانی جذب قسمت کارشناسی مورد نظر شده و در صورت ارجاع امر به آنان با حرکات و اوزارهای سی چهل سال قبل در خصوص استنباط یک شخص اسامی اظهار نظر نموده که در صورت نیاز این گونه افراد به علت تراکم ارجاعات از توجه به محدود بودن نیروی مورد نظر و وسعت جرایم موجود نهایتاً این کارشناسان یکه تا از عرصه رشته مورد نظر خود شده و با عنایت به اصلاح تعداد های موجود

و ملغنی که دادگاهها به عنوان دستمزد تعیین می کنند، اکثراً مورد اعتراض آقایان قرار گرفته و درخواست دستمزد مورد نظر خود را می کنند از توجه به وجود دستگاههای پیشرفته در مراکز استانهای نیروی انتظامی در قسمت آزمایشگاه علوم جنایی و اینکه در صورت احاله پرونده به چنین مراجمی با دقت تمام نسبت به بررسی مستندات امر اقدام و نتیجه معموله را سریعاً گزارش کنند.

متأسفانه کمرایع قضایی در صورت وجود چنین امر مرتباً را به آن کارشناسان ارائه می دهند. در قسمت سوم که کارشناسی راه و ساختمان هستند بیشترن افراد تشکیل می دهند.

کارشناسان از بازتستگان وزارت راه و ترابری هستند که تفاوت عمده ای با کارشناسان فوق دارند، دارای مدرک تخصصی در امور پرونده بوده و از دانشگاههای فنی داخل و خارج فارغ التحصیل شده اند و در راستای وجود پرونده های فراوان در مراجع قضایی با محدودیت کادر موجود و ترمه های فراوان برای سرسام آور که در اثر کارشناسی ملاً در خصوص تعیین سره قلفی یک مقاله به تاریخ دیوست هزار تومان خرد می کنند این تاریخ متأسفانه هیچ گونه نوآوری به این امر میدول نشده است از توجه به پیشرفت فناوری در امر کارشناسی و وجود دستگاههای پیشتاز و نیز تراکم فارغ التحصیلان رشته های مختلف بجاست که دستگاه قضایی کشور با همکاری وزارتخانه های ذیربط واحدی در جهت تحقق دستورات قضایی و ارجاع امر به این مراکز تشکیل یک واحد جوانان متخصص رشته های مختلف این حرکت است از دایره محدود بازتستگان فوق الذکر خارج گردد.

علیرضا آزاد حقوقان

دیدگاه

ضد شیخ و ضد جوش

تا ۵ سال پیش از آب به عنوان یک سیال خنک کننده در سیستم های خنک کننده خودروها و موبیلت استفاده می شد. اما آب در عین حال که از لحاظ خواص انتقال حرارت بسیار خوب است از برخی نظرات فائقی بسیار باری است بویژه در سیستم های خنک کننده موتورهای جدید که در شرایط سخت تری باید کار کنند، لذا سازندگان خودرو مخلوطی از آب و ضد یخ به نسبت ۵۰ درصد ضد یخ توصیه می کنند. علت این توصیه آن است که به تهنایی نقطه جوش بسیار یابینی دارد یعنی در دمای بالای کارکرد موتور به جوش می آید، نقطه انجماد بالایی دارد یعنی در سرما زود یخ می بندد و از همه مهمتر اعتاد پوسیدگی و زنگ زدگی قطعات رادیاتور و بدنه موتور می شود. ضد یخ های مرغوب حاوی فلزات سنگین و مواد افزودنی ضد زنگ و ضد خوردگی هستند و وقتی مخلوطی از آب و ضد یخ در سیستم خنک کننده مصرف می شود، زنگ زدگی و پوسیدگی محافظت می شود. با توجه به پاکت بودی توصیه می کنند از مخلوط ۵۰ درصد ضد یخ مرغوب در آب در سراسر سال، نه فقط در زمستان استفاده شود. اما مصرفی زیاد بی ضرر می باشد. نکته است بیوژه خنک شدنی این بلا نباشد. ضد یخ باید دارای این خواص باشد:

توانایی مناسب برای انتقال گرما داشته باشد، در سیستم ایجاد رسوب نکند، با آب راحتی قابل اختلاط باشد، غیر قابل اشتعال و دارای فرار کم باشد، در دمای محیط گرانبوی مناسبی داشته باشد، دارای قابلیت جلوگیری از خوردگی و زنگ زدگی کلیه فلزات (آلومینیوم، چدن، فولاد، مس، برنج، نیکل) سیستم خنک کننده را برساند، در شرایط طبیعی در دمایهای مختلف با یکدیگر، با هم سازگار باشد و با تصالط با لاستیک و لاستیک سیستم خنک کننده را نامطلوب نداشته باشد، نسبت به تصالط با آب تا حدی بی ضرر باشد که بتوانند در شرایط سرمای زمستان در زمستان با راحتی کار کنند، توانایی کارکرد برای مدت زمان مناسب را داشته و نیاز به تعویض و سرریز مکرر نداشته باشد.